

## جرم فراتر از قصد در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر

ابوالحسن شاکری\*      امیرالبوعلی\*\*

### چکیده

در جایی که رفتار مجرمانه مرتکب جرم منجر به نتیجه‌ای شدیدتر از نتیجه مورد نظر وی گردد یک حالت ویژه ای است که رکن روانی آن، گونه‌ای از قصد تحت عنوان «قصد متعدی» است و جرم ارتكابی، فراتر از قصد نامیده می‌شود. شرایط تحقق این جرم ارتكاب یک جرم مقدم مقصود و در طول آن وقوع یک جرم مؤخر شدیدتر که خارج از قصد مرتکب است. سوال اساسی تحقیق این است که ماهیت این جرم از حیث رکن روانی-عمد یا غیر عمد- چیست؟ در این تحقیق که با روشی تحلیلی-توصیفی و با هدف تبیین ماهیت و مبنای چنین حالتی انجام گردیده است مشخص گردید که جرم فراتر از قصد دارای ماهیت مستقل بین عمد و غیر عمد است. در حقوق ایران نمونه‌هایی از این نوع جرائم وجود دارد و در حقوق مصر بدون به‌کارگیری این اصطلاح در قانون، مفاهیمی

\*دانشیارگروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

shakeri\_criminallaw@yahoo.com

\*\*دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

al\_boali84@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۴

از آن مطرح شده است. لازم است در مباحث عمومی حقوق کیفری، نوعی قصد تحت عنوان «قصد متعدی» و نوعی از جرائم تحت عنوان «جرائم فراتر از قصد» در عرض جرائم عمدی و غیرعمدی افزوده و مجازات آن متناسب با ماهیت جرم تعیین شود.

واژه‌های کلیدی: قصد مجرمانه، قصد متعدی، جرم فراتر از قصد، شبه عمد، رکن روانی.

#### ۱. مقدمه

مفهوم مسئولیت کیفری در گذر زمان دچار تحولات زیادی گردیده است. این مفهوم در گذشته بر اساس نتایج به دست آمده و میزان ضرر وارده از فعل تعیین می‌شد و ملاک شدت مسئولیت، میزان ضرر ایجاد شده بود (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۵۱). بعد از آن به تدریج نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر مطرح گردید. در این نظریه، تقصیر معنای عامی داشت که هم شامل تقصیر عمدی و هم غیرعمدی می‌شد (Klarkson, 2005, 5). به موازات پیشرفت افکار در حوزه حقوق فردی و اجتماعی، تجاوز عمدی از غیرعمدی تفکیک شد و مسئولیت مبتنی بر اراده مطرح گردید ولی کماکان مسئولیت ناظر به رفتار مجرمانه (جرم) بود نه مجرم (نجیب حسنی، ۱۹۸۱: ۱۲). اگرچه با پیدایش مکتب تحقیقی اراده مرتکب در ارتکاب جرم نفی شد و «حالت خطرناک» به عنوان مبنای مسئولیت شناخته شد (Ferri, 1893, 305) ولی سپس با مطرح شدن مکتب دفاع اجتماعی و بعد از آن دفاع اجتماعی نوین، مسئولیت بر مبنای اراده و قابلیت سرزنش عمل مرتکب بازبینی شد (Shichor, 2006, 24). به همین خاطر مسئولیت کیفری، بر مبنای اختیار و اراده پیش رفت و تقصیر مرتکب نیز کماکان مبنایی برای مسئولیت باقی ماند که

<sup>1</sup> -Dangerous state

این مبنا در حقوق جزای معاصر در مقابل مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت محض قرار دارد (Richard, 1989,33). بعد از تفکیک تقصیر عمدی از غیر عمدی، نظریه «قصد غیرمستقیم» ایجاد شد که حالتی از قصد را شامل می‌شود که در آن مرتکب قصد رفتاری (اعم از مجرمانه یا غیر آن) را بکند بدون اینکه قصد نتیجه مجرمانه را داشته باشد و شرایط حاکم بر رفتار مرتکب به گونه‌ای باشد که دلالت بر وجود قصد نتیجه بکند به طوری که قانون‌گذار چنین رفتاری را عمد تلقی نماید. طولی نکشید که نظریه اخیر در مقابل نظریه جدید دیگری تحت عنوان «نظریه خطای توأم با قابلیت پیش‌بینی خطر<sup>۲</sup> از اثر افتاد. (ثروت، ۲۰۰۱: ۵). این نظریه نیز ناظر به توصیف حالت روانی است که مرتکب قصد انجام کار معینی را دارد ولی اثر دیگری به وجود آید که اگرچه مرتکب قصد آن را نداشته است ولی برای او قابل پیش‌بینی بوده است.

در بین این مباحث خلأئی در شمول پدیده‌های حقوقی مربوط به مسئولیت کیفری باقی می‌ماند. این خلأ ناظر به زمانی است که فرد، رفتاری را با قصد مجرمانه معین انجام دهد و علی‌رغم حصول جرم مورد نظر، نتیجه شدیدتری در طول آن جرم حاصل شود که مورد قصد مرتکب نبوده باشد. مثلاً فردی به قصد تخریب و ایراد ضرر به صاحب مال، مالی را خراب کند ولی علاوه بر تخریب و ضرر، عمل مرتکب منجر به تعطیلی مؤسسه عمومی یا وقفه در فعالیت مردم شود به گونه‌ای که نتیجه دوم مورد قصد مرتکب نبوده باشد. یا اینکه فردی به قصد مجروح کردن، به دیگری ضربه‌ای بزند و آن ضربه منجر به بیماری مهلک یا مرگ او گردد و این نتیجه مهلک خارج از قصد مرتکب باشد. مفاهیمی از این قبیل در موادی از قوانین کیفری ایران مانند ماده ۲۹۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ (جنایت بر عضو و

<sup>۱</sup>- Dolus Eventualis

<sup>۲</sup>- Previsione Copla Con

سرایت آن به فوت مجنی علیه) و مواد ۶۲۱ (آدم‌ربایی منجر به آسیب به مجنی علیه) و ۶۳۳ (رها کردن مجنی علیه ناتوان در محل خالی از سکنه منجر به صدمه به مجنی علیه) از ق.م.ا-تعزیرات- و ماده ۹۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (سرقه منجر به اخلال در نظام) یافت می‌شوند.

در راستای فرانگری و امکان مقایسه حقوق ایران با نظام‌های حقوقی دیگر در این پژوهش نگاهی تطبیقی به حقوق مصر هم از حیث قانونی و هم از حیث دکترین، شده است. علت‌گزینهش حقوق مصر این است که این نظام حقوقی به جهت تبعیت از قوانین مکتوب و اقتباس قواعد حقوقی در زمینه‌های متعدد، از جمله قانون‌گذاری، تقسیم‌بندی قواعد حقوقی، مصادیق و ترتیب منابع حقوقی، از نظام حقوقی رومی-ژرمنی - به‌ویژه نظام حقوقی فرانسه- (عرفانی، ۱۳۸۸: ۴۷) زیرمجموعه خانواده نظام حقوقی نوشته یا رومی ژرمنی و از این حیث با نظام حقوقی ایران هم‌خانواده است. از طرف دیگر حقوقدانان مصری در نظریات خود متأثر از نظام حقوقی فرانسه به‌عنوان بارزترین نظام حقوقی نوشته می‌باشند و حتی تألیفات خویش را غالباً به زبان فرانسه نگارش می‌نمایند<sup>۱</sup> علاوه بر آن از شریعت اسلامی در دکترین حقوق این کشور بهره‌های فراوانی برده شده است.<sup>۲</sup> از این حیث اهمیت نگاه تطبیقی به حقوق این کشور در زمینه موضوع نگارش حاضر مبرهن است. با بررسی قوانین این کشور در حالت فراتر از قصد موادی از قوانین کیفی آن مانند مواد ۱۲۶ (شکسته متهم منجر به فوت او) و ۲۹۵ (شهادت کذب

<sup>۱</sup>- در این زمینه می‌توان به حقوقدان معروف مصری «عبدالرزاق السنهوری» اشاره کرد که تألیفاتی به زبان فرانسه دارد. عبدالرزاق لقب پدر حقوق و قوانین در جهان عرب را دارد. در حوزه حقوق کیفری می‌توان به محمود نجیب حسنی اشاره کرد که کتاب ایشان تحت عنوان «سببیت در حقوق» معروف است و توسط سید علی عباس نیا به زبان فارسی نیز ترجمه و دانشگاه علوم اسلامی رضوی آن را چاپ و منتشر کرده است.

<sup>۲</sup>- در این زمینه می‌توان به «عبدالقادر عوده» حقوقدان برجسته مصری اشاره نمود که کتاب «التشريع الجنائي الاسلامي» ایشان با نگاهی تطبیقی به قانون مجازات مصر از کتب تأثیرگذار بر حوزه حقوق اسلامی تلقی می‌شود.

منجر به صدور و اجرای حکم اعدام متهم) و ۳۶۱ (اتلاف اموال منجر به تعطیلی فعالیت عمومی)<sup>۱</sup> از قانون عقوبات، این حالت را پیش‌بینی کرده‌اند. در مورد این جرم سؤالانی قابل طرح هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از ۱- مبنای مسئولیت کیفری مرتکبین جرائم فراتر از قصد چیست؟ ۲- ماهیت جرائم فراتر از قصد از حیث عمد یا غیرعمد کدام است؟ ۳- مجازات متناسب برای این جرم بر اساس چه معیاری تعیین می‌شود؟ موضع حقوق کنونی ایران نسبت به مفهوم جرم فراتر از قصد چیست؟ در این نوشتار در راستای پاسخ به سؤالات مذکور با روش تحقیق اسنادی، داده‌ها تحلیل و با نگاهی تطبیقی با حقوق کیفری کشور مصر، به‌عنوان نظام حقوقی هم‌خانواده با نظام حقوقی ایران، ابتدا مبنای جرم فراتر از قصد مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به‌عنوان شرایط تحقق این جرم به مواردی از قبیل ارتکاب جرم مقدم و وقوع جرم مؤخر و همچنین در طول هم بودن این دو جرم و مهم‌تر بودن جرم مؤخر پرداخته می‌شود و همچنین ماهیت این جرم از حیث مسئولیت و نظریات مرتبط به آن تبیین می‌گردد و نهایتاً شیوه‌ی تعیین مجازات آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه‌گیری کلی پایان این نوشتار خواهد بود.

## ۲. مبنای جرم فراتر از قصد

اینکه بر چه اساس مرتکب جرم فراتر از قصد باید مسئولیت کیفری داشته و مجازات گردد نظرات مختلفی می‌توان مطرح کرد. در این زمینه ممکن است گفته شود همان‌طور که نظریه خطر در حقوق مدنی مسئولیت را از مبنای تقصیر مرتکب به مبنای ایجاد خطر تغییر جهت داده است در حقوق کیفری نیز نظریه خطر قابل طرح است و در جرم فراتر از قصد مجازات مرتکب به جهت خطری است که خود ایجاد کرده است. از آنجا که اساس پذیرش نظریه خطر در حقوق مدنی، از طرفی

<sup>۱</sup>- متن مواد مزبور و ارتباط آن‌ها با بحث در صفحات آتی به مناسبت مطالب نوشته شده است.

لزوم پیدا کردن راهی برای جبران ضرر زیان‌دیده و از طرف دیگر زیان‌زننده از خطری که ایجاد کرده و برای افراد ضرر ایجاد کرده خود سود برده است باید مسئول جبران ضرر باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۶۴) همان‌طور که قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» نیز دلالت بر این امر دارد.<sup>۱</sup> این مبنا در حقوق کیفری - که در آن بحث از تحمیل مجازات بر مرتکب است - منتفی است، طرح نظریه خطر به‌عنوان مبنای مجازات جرم فراتر از قصد قابل توجیه به نظر نمی‌رسد.

در مباحث حقوق کیفری اصولاً یک رفتار، بر اساس دو مبنا جرم‌انگاری می‌شود. مبنای اول خصوصیت سرزنش‌پذیری مرتکب آن است. (Ezzat, 1997, 20) در این راستا جرم مبتنی بر نوعی تقصیر است و باید رکن روانی داشته باشد تا مرتکب، قابلیت سرزنش پیدا کند. این رکن در جرائم عمدی و غیرعمدی به صورت‌های مختلفی محقق می‌گردد. در جرائم غیرعمدی مبتنی بر خطایی است که مرتکب در تطبیق ذهنیات خود با واقع داشته است و به همین خاطر دچار بی‌احتیاطی، بی‌مبالائی در رفتار و عنصر مادی شده است که تقصیر جزائی تلقی و جانشین عنصر روانی می‌شود (شاه‌چراغ، ۱۳۹۲: ۸۴) در جرائم عمدی، غالباً متضمن سوءنیت عام - یعنی قصد و اراده ارتکاب رفتار اعم از ایجابی یا سلبی - و سوءنیت خاص - یعنی قصد و غایت مرتکب به ایجاد یک اثر از فعل ارتکابی - است؛ بنابراین چنین مبنایی نمی‌تواند مبنای جرم فراتر از قصد باشد زیرا که در جرم فراتر از قصد هرگز مرتکب قصد ارتکاب جرم واقع شده را ندارد.

مبنای دوم جرم‌انگاری یک رفتار، اهمیت مصلحت تجاوز شده به وسیله آن رفتار است که این مصلحت حسب عرف، فرهنگ و اعتقاد یک جامعه تعریف می‌شود (Ezzat, 1997, 24). در واقع تجاوز به این مصلحت باعث شده است که قانون‌گذار آن رفتار را جرم‌انگاری کند. لذا چنانچه فردی عمداً رفتاری را مرتکب

<sup>۱</sup> - معنی این قاعده این است: کسی که از رفتاری سود می‌برد مسئول جبران خسارت وارده از آن رفتار است.

شود ولی هدف او نقص مصلحت مورد حمایت قانون‌گذار نباشد براساس این مبنا عمل او نباید جرم تلقی شود مانند اینکه فردی به قصد دفاع از مردم در مقابل خطر حمله دشمن و نه ارباب آن‌ها - مبادرت به کشیدن سلاح و حتی استفاده از آن نماید که در این صورت نمی‌تواند محارب تلقی شود<sup>۱</sup> اگرچه عملاً منجر به ارباب مردم گردد.

چنانچه مرتکب در راستای رفتار خود علاوه بر اینکه به هدف خود برسد آثار دیگر و شدیدتر از اثر مورد هدف او حاصل شود که خارج از قصد او باشد باید مجازات شدیدتری نسبت به جرم اولیه مقصود تعیین شود. از طرف دیگر به جهت خارج بودن اثر شدیدتر (جرم مؤخر) از قصد مرتکب، نمی‌توان نتیجه حاصله را عمدی تلقی کرد و مجازات یک جرم شدید عمدی تعیین کرد. در چنین مواردی از ضابطه و اصول خشک حاکم بر رکن روانی از قبیل لزوم وجود قصد و عدوان به مبنای دوم یعنی حمایت از مصلحت تجاوز شده روی آورده می‌شود. بر این اساس باید گفته شود جرم فراتر از قصد غالباً در درجه اول در جرائم مهم یعنی در جرائم با مجازات سنگین و دارای مصلحت با اهمیت بیشتر - از قبیل جرائم علیه تمامیت جسمانی (مانند ضرب و جرح منتهی به فوت) و جرائم علیه امنیت - (مانند سرقت از محل نظامی منجر به اخلال نظام) جایگاه پیدا می‌کند. لذا مبنای جرم فراتر از قصد هم خصوصیت سرزنش‌پذیری به جهت وجود قصد تحقق یک نتیجه مجرمانه سبک و همچنین به لحاظ حمایت از مصلحت تجاوز شده و اهمیت آن است. نمود این مبنا در شیوه‌ی تعیین مجازات است که مجازات چنین جرمی بایستی بیشتر از مجازات جرائم غیرعمدی و کمتر از مجازات جرائم عمدی باشد.

<sup>۱</sup> در این زمینه ماده ۲۸۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد محارب نیست».

### ۳. شرایط تحقق جرم فراتر از قصد

برای تحقق جرم فراتر از قصد شرایطی از قبیل لزوم ارتکاب جرم مقدم و همچنین وقوع جرم مؤخر و مهم‌تر بودن جرم مؤخر لازم است که به شرح زیر به این شرایط پرداخته می‌شود.

#### ۳.۱. ارتکاب جرم مقدم

لازمه تحقق جرم فراتر از قصد ارتکاب یک جرم مقدم است. منظور از جرم مقدم ارتکاب رفتار مجرمانه است قبل از اینکه مرتکب در فکر ارتکاب جرم شدیدتر باشد. فرض شود سارق به قصد سرقت مالی، دست خود را در جیب دیگری فرو ببرد ولی به سبب عجله مرتکب و یا مقاومت شخص، جیب وی پاره گردد و علاوه بر سرقت، تخریب نیز صورت گیرد. در اینجا جرم سرقت یک جرم مقدم برای جرم دیگری تحت عنوان جرم فراتر از قصد است که ترکیبی از سرقت و تخریب است.

جرم مقدم باید تمام اجزای عمومی یک جرم را داشته باشد. رفتار در این جرم ویژگی خاصی ندارد و همانند سایر جرائم می‌تواند فعل یا ترک فعل باشد. از حیث رکن روانی این جرم باید عمدی و مقصود باشد یعنی دارای سوءنیت عام و خاص باشد. سوءنیت عام آن قصد در ارتکاب رفتار است یعنی رفتار باید عمدی باشد و با اراده و آگاهی انجام پذیرد و سوءنیت خاص آن قصد حصول یک اثر معین است. به این اثر، در جرم فراتر از قصد، اثر مقدم یا سبک هم گفته می‌شود که در حقوق مصر از آن به «الحدث البسیط» تعبیر شده است. (الهیتی، ۲۰۱۱: ۱۷۱) چنین اثری باید غیرقانونی باشد؛ بنابراین در جایی که رفتار غیر مجرمانه‌ای و با قصد مشروع انجام پذیرد و منجر به نتیجه مجرمانه غیر مقصود گردد-مانند اینکه ولی صغیری به قصد تأدیبه‌طور متعارف ضربه‌ای به او بزند که اتفاقاً منجر به صدمه



شدیدتر غیر مقصود گردد- به جهت عدم وجود جرم مقدم از مفهوم جرم فراتر از قصد خارج است.

اصولاً تحقق واقعی اثر مورد قصد مرتکب شرط نیست مگر اینکه جرم مقدم از جمله جرائم مقید باشد که در این صورت حصول اثر به عنوان نتیجه‌ی جرم مقید لازم است. در مقابل چنانچه جرم مقدم جرم مطلق باشد که تحقق آن مستلزم نتیجه نباشد تحقق عملی اثر و یا نتیجه شرط نیست؛ بنابراین تحقق جرم مقدم شرط است و این جرم می‌تواند جرمی مقید باشد یا مطلق.

در جایی که جرم مقدم از نوع جرائم مقید باشد لزوماً نتیجه در جرم مقدمباید داخل در دایره قصد مرتکب باشد یعنی همان نتیجه‌ای باشد که مرتکب قصد کرده است؛ بنابراین چنانچه نتیجه‌ای غیر از نتیجه‌ی مورد قصد مرتکب از فعل او حاصل شود-مانند اشتباه در هدف موضوع بند پ ماده ۲۹۲ ق.ا.م.ا.<sup>۱</sup>- چنین جرمی خارج از مفهوم جرم فراتر از قصد خواهد بود.

جرم مقدم می‌تواند شروع به جرم باشد؛ مانند اینکه شخصی به قصد جراحت به سمت دیگری جهت پرتاب سنگی برآید ولی به علتی غیر ارادی-مثلاً کنترل دست او توسط شخصی دیگر- موفق به پرتاب نگردد ولی هم‌زمان با آن، قربانی مورد نظر جای خود را به قصد عدم برخورد سنگ تغییر دهد و سپس در اثر همین حرکت، بر زمین بیفتد و مجروح گردد و نهایتاً فوت کند در این صورت فوت قربانی به عنوان نتیجه فراتر از قصد مرتکب تلقی می‌شود. در مقابل، شروع به جرم فراتر از قصد ممکن نیست چون جرم فراتر از قصد حصول نتیجه‌ای بیش از قصد مرتکب است در حالی که در شروع به جرم مرتکب موفق به عملی کردن قصد

---

<sup>۱</sup>- ماده ۲۹۲ ق.ا.م.ا.-«جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف... ب... پ:جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید».

خود-یعنی ارتکاب جرم تام- نمی‌شود. در همین‌جامی‌توان به تفاوت جرم محال و عقیم با جرم فراتر از قصد اشاره کرد که در این دو نهاد برخلاف جرم فراتر از قصد، مرتکب عمل مجرمانه مقدماتی را انجام نمی‌دهد بلکه همان جرم را به صورت ناقص مرتکب می‌شود مانند حالتی که در آن مرتکب به قصد مصدوم کردن دیگری به سمت او سنگی پرتاب کند ولی به جهت عدم مهارت، سنگ به فرد مورد نظر اصابت نکند.

در پاسخ به این سؤال که آیا جرم مقدم می‌تواند یک جرم عقیم یا محال باشد؟ باید گفت در جایی که جرم محال یا عقیم حسب قواعد مربوطه و تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا در حکم شروع به جرم محسوب شده و وصف جزایی پیدا میکند می‌تواند جرم مقدم در یک جرم فراتر از قصد را تشکیل دهد؛ مانند اقدام سارق جهت سرقت از جیب دیگری و عقیم ماندن عملیات او به سبب خالی بودن جیب قربانی و در عین حال منجر شدن آن عملیات به تخریب لباس قربانی.

امری که ماهیت متفاوتی را به چنین جرمی می‌بخشد و آن را متفاوت از سایر جرائم می‌گرداند تحقق نتیجه‌ای دیگر شدیدتر از نتیجه اول است که در بحث بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳.۲. وقوع جرم مؤخر

شرط دیگر جرم فراتر از قصد تحقق جرم مؤخر است به این معنی که علاوه بر جرم مقدم که یک جرم کاملی است باید یک جرم دیگری محقق گردد که در ادامه همان جرم باشد؛ بنابراین جرم فراتر از قصد یک جرم مقید به نتیجه است. نتیجه در این جرم دو خصوصیت مهم دارد. اول اینکه برعکس نتیجه در جرم مقدم-در جایی که جرم مقدم مقید باشد- که می‌بایستی قصد شده باشد در اینجا نتیجه باید از قلمرو قصد مرتکب خارج باشد و در واقع جرم فراتر از قصد با

حصول همین نتیجه دوم محقق و کامل می‌گردد. دوم اینکه نسبت به این نتیجه، قصد مرتکب را حتی به صورت غیرمستقیم هم نمی‌توان استنباط کرد و در واقع مصداقی از قاعده فقهی «ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد» باشد. توضیح اینکه در صورت استنباط قصد غیرمستقیم، نتیجه دوم داخل در قصد مرتکب قرار گرفته و از مصادیق جرم فراتر از قصد خارج می‌گردد. سوم اینکه قابلیت پیش‌بینی نتیجه دوم برای مرتکب شرط نیست بلکه احراز رابطه سببیت کافی است.

با توصیف فوق، در جرم موضوع بند ب ماده ۲۹۰ از ق.م.ا.نظا به ارتکاب جنایت با فعل عادتاً موجب جنایت بدون قصد جنایت - اگرچه نتیجه شدیدتری خارج از قصد مرتکب محقق می‌شود و ظاهراً با مفهوم جرم فراتر از قصد مطابقت دارد ولی چون قانون‌گذار قصد مرتکب را مفروض دانسته و به طور غیرمستقیم قصد مرتکب را استنباط نموده است چنین جرمی از شمول مفهوم جرم فراتر از قصد خارج است.

وجه تسمیه جرم فراتر از قصد از اینجا ناشی می‌شود که جرم مقدم در جرم مؤخر مستحیل گشته و یک جرم واحدی را تشکیل می‌دهند که نتیجه آن خارج از قصد مرتکب است. از این بحث استنباط می‌شود که در جرائم با قصد مطلق امکان تحقق جرم فراتر از قصد وجود ندارد. منظور از قصد مطلق و به عبارتی قصد

<sup>۲</sup> - از حیث فقهی در خصوص ارزش اعمال حسب نیت انجام دهنده احادیث فراوانی وجود دارد. از جمله اینکه از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى، فَمَنْ غَزَى ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ فَقَدْ وَجَّهَ اللَّهُ عَلَيْهِ عِزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ غَزَى يَرِيدَ عَرْضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عَقَالاً لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى؛ یعنی اعمال تابع نیت و قصدهاست، پس هر کس کاری انجام دهد و هدفش رسیدن به ثواب در نزد خدا باشد به آن می‌رسد و اگر مقصودش دنیا و متاع دنیوی باشد، همان را بدست خواهد آورد (مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۳۳۷).

<sup>۳</sup> - ماده ۲۹۰ ق.م.ا.نظا: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف - ... ب - هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود».

غیرمحدود این است که مرتکب ضمن قصد رفتار خود، قصد مطلق نتیجه یا اثر را از آن داشته باشد به گونه‌ای که هر اتفاقی که از رفتار او حاصل گردد داخل در قصد او تلقی شده و مسئولیت مرتکب نسبت به آن از نوع مقصود (عمد) شناخته می‌شود. (سلامه، همان: ۹۸۹). در حقوق ایران بندت ماده ۲۹۰ ق.م.ا در بحث جنایات عمدی نمونه‌ای از قصد مطلق است. این نوع قصد هم از حیث کمیت و هم از نظر کیفیت با جرم فراتر از قصد متفاوت است. از حیث کمیت اینکه در قصد مطلق کمیت قصد بیشتر بوده و دایره شمول آن وسیع‌تر و کلیه نتایج داخل در دایره قصد مرتکب است و از حیث کیفیت نیز قابلیت سرزنش مرتکب در قصد مطلق نیز بیشتر از این حالت در جرم فراتر از قصد است. برای مثال در جایی که مرتکب رفتاری از قبیل بمب‌گذاری در یک محل را با قصد مطلق از حیث هدف (هدف او هر فردی باشد که در آن محل قرار گیرد) انجام دهد و رفتار او منجر به فوت افراد مستقر در آن محل گردد قصد او از لحاظ کمی - یعنی از لحاظ تعداد افراد قرار گرفته در دایره قصد او - بیشتر از حالتی است که فردی به قصد مجروح نمودن فردی معین رفتاری از قبیل ضربه چاقو انجام دهد و آن ضربه منجر به فوت (نتیجه سنگین فراتر از قصد مرتکب) مجروح گردد، همچنین از نظر کیفی یعنی شدت سرزنش پذیری حالت اول بیشتر است.

در تفاوت جرم مقدم و جرم مؤخر باید گفت این دو هم از حیث ماهیت و هم از حیث نتیجه با یکدیگر متفاوت‌اند. از حیث نتیجه اینکه جرم مقدم می‌تواند یک جرم مقید یا مطلق باشد در حالی که جرم مؤخر ماهیتاً باید مقید به نتیجه باشد. از حیث ماهیت اینکه جرم مؤخر باید از نظر شدت نتیجه شدیدتر از جرم مقدم باشد چون جرم مقدم در کنار جرم مؤخر، جزئی از جرم فراتر از قصد تلقی می‌شود.

### ۳.۳. طولی بودن جرم مقدم و مؤخر

از دیگر شرایط تحقق جرم فراتر از قصد این است که باید بین رفتار تشکیل‌دهنده جرم مقدم و نتیجه شدیدتر حاصله، رابطه سببیت وجود داشته باشد که این رابطه همانند سایر اجزای هر جرمی، حسب اصل عدم، نیازمند اثبات است. در خصوص این رابطه بین رفتار مجرمانه و نتیجه‌ی اول در جرائم مقید قواعد عام شیوه احراز رابطه سببیت حاکم است به‌گونه‌ای که آن نتیجه معلول همان رفتار باشد. ولی در خصوص رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه شدید علاوه بر لزوم احراز آن رابطه حسب قواعد مذکور، شرط دیگری وجود دارد و آن این است که نتیجه دوم باید در طول جرم مقدم اول باشد نه در عرض آن.

به عبارت بهتر جرم فراتر از قصد از عناصر متساوی و در عرض هم تشکیل نمی‌گردد بلکه از عناصری تشکیل می‌شود که بعضی نسبت به بعضی دیگر، رابطه کمتر و بیشتر دارد و این حالت با حالتی مطابقت دارد که در آن جرم از یک مرحله انتقالی از نسبت کمتر<sup>۴</sup> به نسبت بیشتر<sup>۵</sup> می‌گذرد. (القدومی، همان: ۱۱۸) یعنی نتیجه دوم یا اینکه همان نتیجه‌ی جرم مقدم است ولی مرتبه آن شدت یافته و نتیجه‌ی شدیدتری محقق گردد یا اینکه رفتار جرم مقدم، خود نتیجه‌ای را به وجود آورد که خارج از قصد او باشد، به‌عنوان نمونه برای حالت اول اینکه مرتکب به قصد مجروح کردن نه قصد قتل، به قربانی ضربه بزند ولی این ضربه علاوه بر جراحت به مرگ قربانی نیز منجر گردد و نمونه حالت دوم این است که مرتکب به قصد تخریب ماشین دیگری آن را دچار نقص فنی بکند و یا آن را به اصطلاح پنجر کند ولی همین خرابی باعث واژگونی ماشین و تخریب آن گردد.

<sup>۴</sup>- Minus

<sup>۵</sup>- Maius

تفاوت بین جرم فراتر از قصد و تعدد نتایج در یک جرم از خصوصیت پیش‌گفته برای جرم فراتر از قصد مبرهن می‌شود. تعدد نتایج مانند حالتی است که فردی آتشی را به قصد تخریب مالی بر افروزد و آتش علاوه بر تخریب مال مورد نظر، منجر به صدمه جسمانی فرد مستقر در همان محل گردد. در این حالت در واقع جرائم متعددی در عرض هم اتفاق افتاده‌اند که از حیث ماهیت (عمدی یا غیرعمدی بودن) متفاوت هستند. تبصره ۱ ماده ۱۳۴ ق.م.ا. شیوه مجازات در این حالت را همانند تعدد مادی-یعنی تشدید مجازات هر یک از جرائم حاصله و اعمال شدیدترین آن‌ها- دانسته است. این نوع تعدد که از منجر شدن یک رفتار به نتایج متعدد در عرض هم تشکیل می‌شود با جرم فراتر از قصد که در آن نتایج در طول هم اتفاق می‌افتند متفاوت است. لذا این گفته: «حالتی که کسی به تخریب عمدی دیوار باغ متعلق به دیگری دست می‌زند (ماده ۶۷۷ ق.م.ا-تعزیرات) و در نتیجه این عملیات به اثر تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و در مجاورت دیوار بنا شده خرابی وارد آورد (ماده ۵۶۰ ق.م.ا-تعزیرات) با حالت تعدد نتایج (در عرض هم) فرقی کند». (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۸۵) کاملاً درست است چون مثال اخیر مفهومی از جرم فراتر از قصد است.

با این مفهوم از جرم فراتر از قصد، ارتکاب جرم شدیدتر توسط مباشر که مورد هدف معاون نبوده و خارج از قصد معاون باشد-که در تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا. مورد تصریح قرار گرفته است- نوعی جرم فراتر از قصد است چون رابطه سببیت بین رفتار معاون و جرم ارتكابی توسط مباشر به صورت طولی محرز است. در مقابل، پیش‌بینی مجازات برای عمل کسی که به خاطر وقوع نتیجه‌ای که مستقیماً

<sup>۱</sup>- این تبصره مقرر می‌دارد: «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

جرم فراتر از قصد در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر ۱۰۵

مرتبط با عمل او نباشد - مانند مجازات شرکت در نزاع منجر به فوت یا صدمه بدنی موضوع ماده ۶۱۵ ق.م.ا-تعزیرات-؛ نمی‌تواند داخل در مفهوم جرم فراتر از قصد باشد چون بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله رابطه سببیتی محرز نیست.

۳.۴. مهم‌تر بودن جرم مؤخر نسبت به جرم مقدم

از شرایط دیگر تحقق جرم فراتر از قصد این است که جرم مؤخر که از دایره قصد مرتکب خارج است مهم‌تر از جرم مقدم باشد. در همین راستا در حقوق مصر به نتیجه فراتر از قصد «الحدث الجسیم» - به معنی نتیجه سنگین‌تر - گفته شده است. (فراس عبدالمنعم، ۲۰۰۱، ۸۴). مهم‌تر بودن یک جرم به معنی شدیدتر بودن مجازات آن است که بر اساس میزان و نوع مجازات آن مشخص می‌شود. میزان مجازات یک جرم از یک طرف تابع نوع جرم و از طرف دیگر تابع میزان اهمیت مصلحتی است که به وسیله جرم نقض شده است. بر این اساس جرائم علیه امنیت به لحاظ نقض ارزش‌های امنیتی، بیشترین ارزش را دارند و بعد از آن جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص دارای اهمیت بالاتر است. حدیث معروف پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) مبنی بر لزوم قدرشناسی دو نعمت سلامتی و امنیت انسان<sup>۷</sup> (النیشابوری، ۱۳۷۵: ۴۷۲) دلالت بر اهمیت این دو مقوله از حیات انسانی دارد. به همین دلیل است که جرم فراتر از قصد همانند جرائم غیر عمدی، در جرائم با اهمیت، قابلیت تحقق پیدا می‌کند. ماده ۲۹۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ (جنایت بر عضو مسری به فوت) در زمینه جرائم علیه

۷- ماده ۶۱۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال ۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

۸- حدیث پیامبر (ص): «نعمتان مجهولتان الصحه و الامان».

اشخاص و ماده ۹۲ از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (سرقت از محل نظامی منجر به اخلال در نظام) در زمینه جرائم علیه امنیت از این دست جرائم است. از ضوابط دیگر تعیین شدت مجازات، نوع مجازات است. آنچه بدیهی است مجازات بدنی قطع عضو و اعدام شدیدتر از مجازات سالب آزادی است و مجازات اخیر شدیدتر از مجازات محدودکننده آزادی است و نهایتاً مجازات محدودکننده آزادی شدیدتر از مجازات مالی است. آنچه مورد تردید است مقایسه بین مجازات شلاق و حبس است که حسب یک نظریه مشورتی مجازات شلاق خفیف‌تر دانسته شده است (نظریه مشورتی ۷۷۶۱/۷ مورخه ۱۳۷۵/۲/۱۸).<sup>۹</sup> در مقایسه دو مجازات از یک نوع، کمیت آن ملاک شدت خواهد بود یعنی چنانچه مثلاً دو مجازات شلاق باشد یا هر دو حبس باشد هر چه کمیت آن بالا باشد شدت آن بیشتر است. طبیعتاً وقتی جرم مقصود مرتکب-به‌عنوان جرم مقدم- محقق شود و علاوه بر آن نتیجه دیگری ایجاد شود قطعاً حدوث این نتیجه موجب تشدید مجازات جرم مقدم می‌گردد در این صورت شرط مهم‌تر بودن جرم موخر-که خود از مجموع جرم مقدم و نتیجه‌ی خارج از قصد مرتکب، تشکیل می‌شود- محقق شده است.

#### ۴. ماهیت جرم فراتر از قصد

منظور از ماهیت در اینجا تعیین اینکه جرم فراتر از قصد در کدام دسته از جرائم از حیث مسئولیت کیفری است. در خصوص ماهیت این نوع جرم، فقها و حقوقدانان نظریات و دیدگاه‌های مرتبط و مختلفی را بیان کرده‌اند. نظریاتی از قبیل

<sup>۹</sup>- نظریه مزبور به این شرح است: «ماده سوم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مورد تعیین مجازات اخف و اشد ضابطه‌ای تعیین نموده است قانونگذار مجازات حبس شدیدتر از شلاق و مجازات هر دو شدیدتر از جزای نقدی می‌باشد». اگرچه ماده ۳ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۷۱ مورد اشاره منسوخ است ولی مفاد ماده می‌تواند قابلیت استناد داشته باشد.



جرم فراتر از قصد در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر ۱۰۷

جرم فراتر از قصد به عنوان مفهومی از مسئولیت محض و یا نوعی قصد غیرمستقیم و نظر خطای شبه عمد و همچنین جرم فراتر از قصد به عنوان نهادی مستقل مطرح شده است که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۴.۱. جرم فراتر از قصد به عنوان مفهومی از مسئولیت محض

در خصوص مفهوم دقیق مسئولیت محض باید گفت این مسئولیت بین دو تقریر مردد است. تقریر نخست به مقام ثبوت و تحقق واقعی و تقریر دوم به مقام اثبات باز می‌گردد. در تقریر ثبوتی، جرم بدون عنصر روانی است و صرف وجود و اثبات رابطه سببیت بین رفتار ارتكابی با نتیجه مجرمانه کافی است مثل خطای محض. در تقریر اثباتی مضاف بر احراز رابطه سببیت، عنصر روانی برای ارتكاب جرم لازم است ولی اثبات آن لازم نیست بلکه وجود آن مفروض است. مفهوم مسئولیت محض فقط با مفهوم تقریر دوم در حقوق ایران پذیرفته شده است. برخی حقوقدانان جرائمی از قبیل صدور چک پرداخت نشدنی (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۴۱)، جرائم خلافی، جرائم محیط‌زیست، به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال، جرائم علیه مالکیت فردی (شریعتی نسب، ۱۳۹۲: ۱۲۵) را مفاهیمی برای مسئولیت محض در حقوق ایران دانسته‌اند. به نظر می‌رسد این جرائم با لحاظ آموزه‌های حقوقی با تقریر اثباتی از مسئولیت محض مطابقت دارد.<sup>۱۰</sup> با پذیرش تقریر اثباتی این نوع مسئولیت روشن است که این مسئولیت مبتنی بر فرض وجود رکن روانی در ارتكاب جرم است.

در این نظریه از آنجا که صرف برقراری رابطه علیت بین عمل مرتکب و اثر حاصل کافی برای مسئولیت مرتکب است مفهوم فراتر از قصد داخل در مفهوم

۱۰- از جمله اصل ارادی بودن ارتكاب جرم و لزوم وجود عنصر روانی و ابتدای آن بر عنصر اخلاقی (قابلیت سرزنش) است و چنانچه قائل به عدم لزوم وجود رکن روانی و عنصر قابلیت سرزنش در یک جرم باشیمر خلاف چنین اصلی عمل نموده‌ایم.

مسئولیت محض دانسته شده است. در نقد این نظر جای این تأمل وجود دارد که با توجه به اینکه در جرم فراتر از قصد، قصد مجرمانه در جرم مقدم وجود دارد که اثبات آن برای تحقق جرم لازم است و خود جزئی از رفتار مجرمانه فراتر از قصد تلقی می‌شود، لذا نمی‌تواند با مسئولیت محض به معنی مسئولیت مبتنی بر تقصیر مفروض هماهنگ باشد. به همین خاطر برخی حقوقدانان عرب (طلال جاسم، ۲۰۰۹: ۲۶) بین مسئولیت محض و حالت فراتر از قصد تفاوت قائل هستند و معتقد به عدم امکان پذیرش نظریه فوق به‌عنوان مبنای چنین جرمی می‌باشند. به‌ویژه اینکه باید افزود در جرم فراتر از قصد، مرتکب قصد صریح مجرمانه نسبت به حصول یک اثر نامشروع (سوءنیت خاص جرم اول) دارد که باید اثبات شود ولی چنین قصدی در مسئولیت محض مفقود است.

#### ۴.۲. جرم فراتر از قصد به‌عنوان مفهومی از قصد غیرمستقیم

منظور از قصد غیرمستقیم قصدی است که حسب شرایط ارتکاب و نوع رفتار مرتکب و قابلیت پیش‌بینی نتیجه استنباط می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). این نوع قصد در مقابل قصد مستقیم یا جازم و به تعبیر فقه امامیه قصد ابتدایی یا اصلی قرار می‌گیرد (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۰۴). برای روشن شدن مفهوم قصد غیرمستقیم ابتدا تعامل بین این مفهوم و مفهوم سوءنیت احتمالی<sup>۱</sup> بررسی می‌شود.

برخی سوءنیت احتمالی را در مقابل سوءنیت جازم یا عمد منجز قرار می‌دهند و آن را قصد انجام عملی می‌دانند که ممکن است نتایج زیانباری را به وجود آورد چنین عملی را باید خطای ساده تلقی کرد (قاسم‌زاده، ۱۳۷۷: ۶۱ و صانعی، ۱۳۷۲: ۳۲۰). در این صورت سوءنیت احتمالی مفهومی از خطای ساده است و به‌عنوان یک نهاد مستقل تلقی نمی‌شود. برخی سوءنیت احتمالی را با خطای جزایی مترادف دانسته و

<sup>۱</sup> - Dol Eventual(f.) Recklessness(è)

رکن روانی جرائم غیر عمدی را این نوع از سوءنیت شناخته‌اند (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۲۴۳).<sup>۱</sup> نظر اخیر دلالت بر این دارد که مفهوم مستقلی برای سوءنیت احتمالی وجود ندارد در این صورت نیازی به اختصاص عنوانی خاص تحت عنوان سوءنیت احتمالی نیست. برخی نیز سوءنیت احتمالی را عبارت از وضعی دانسته‌اند که در آن فاعل به هیچ وجه خواستار حصول نتیجه زیان‌بار و حتی نتیجه‌ای از رفتار خویش نیست ولی می‌تواند نتیجه را پیش‌بینی کند که چنین حالتی را درجه‌ای از عمد دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۵۵). به نظر می‌رسد علت طرح چنین تفاسیر متفاوت از سوءنیت احتمالی و آثار آن، عدم توجه به مفهوم قصد غیرمستقیم است. برخی حقوق‌دانان در بحث جنایات، قصد صریح یا ابتدایی یا اصلی را مترادف با قصد مستقیم و قصد تبعی یا ضمنی را مترادف با قصد غیرمستقیم دانسته‌اند (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۱۱ و ۱۱۲). سوءنیت احتمالی حسب مورد و حسب میزان قابلیت پیش‌بینی نتیجه می‌تواند مشمول یکی از دو مفهوم قصد غیرمستقیم یا خطای جزائی باشد و خود یک مفهوم مستقلی نیست. با این توضیح که چنانچه در حد بی‌احتیاطی و تقصیر ساده مرتکب باشد مفهوم خطای جزائی (نظریه خطا) شامل آن است و چنانچه بی‌احتیاطی و قابلیت پیش‌بینی نتیجه آن‌قدر شدید باشد که قانون‌گذار قصد مرتکب را مفروض بگیرد مشمول مفهوم قصد غیرمستقیم است.

<sup>۱</sup> - در فرانسه دیوان کشور فرانسه آن را مترادف بی‌احتیاطی دانسته و غیرعمد تلقی کرده است ولی چنین امری از جانب علمای حقوق فرانسه مورد انتقاد قرار گرفته و آن را با مجازات شدیدتری قابل مجازات دانسته‌اند. برخی قوانین خارجی آن را عمد تلقی کرده‌اند ماده ۱۴ قانون مجازات لهستان مقرر می‌دارد «جرم عمدی نه فقط به اعمالی اطلاق می‌شود که عامل با انجام آن اراده کرده است بلکه در مواردی هم که امکان وقوع جرمی یا خصیصه جرم بودن عمل ارتكابی خود را پیش‌بینی کند به آن تن در دهد مرتکب جرم عمدی محسوب می‌شود». این نوع سوءنیت در حقوق کامن لا می‌تواند با مفهوم بی‌پروایی شدید مطابقت کند.

معنای سوءنیت احتمالی در حقوق برخی از کشورهای خارجی با قصد غیرمستقیم مترادف است (عبد شویش، ۱۹۸۱: ۷۹). بدین توضیح که در حقوق مصر به تأسی از حقوق فرانسه با تعبیر قصد احتمالی به جای سوءنیت احتمالی آن را با قصد غیرمستقیم یکی دانسته و در مقابل قصد مستقیم قرار داده و مفهوم مستقلی برای سوءنیت احتمالی شناسایی نکرده‌اند و البته چنین اصطلاحی در حقوق و دکترین خود ندارند. اگرچه قانون مصر برخلاف قوانین برخی از کشورها<sup>۱</sup> و همانند حقوق فرانسه قصد احتمالی را تعریف ننموده و عمدی یا غیرعمدی بودن آن را مورد تصریح قرار نداده است (الهی، همان: ۱۲۷) ولی دکترین حقوقی مصر قصد احتمالی را مترادف قصد غیرمستقیم قرار داده است (نجیب حسنی، همان: ۲۳۸). از آنجا که در دکترین حقوق ایران سوءنیت احتمالی گاهی مترادف با قصد غیرمستقیم و گاهی در حد یک تقصیر جزایی و خطای ساده شناسایی شده است لذا مفهوم مستقلی از خود ندارد.

بین قصد غیرمستقیم-یا به تعبیر حقوق مصر قصد احتمالی- با جرم فراتر از قصد علی‌رغم شباهت، یک تفاوت ظریفی وجود دارد و آن این است که قصد غیرمستقیم ناظر به جایی است که نتیجه شدیدتر برای مرتکب قابل پیش‌بینی است به گونه‌ای که بتوان قصد مرتکب را از رفتار خویش نسبت به نتیجه‌ی حاصله استنباط کرد که این مفهوم ملحق به مفهوم عمد است<sup>۲</sup> مانند عمل کسی که مرتکب راهزنی مسلحانه در راه‌ها و شوارع به قصد بردن مال افراد شود و عمل او منجر به ناامنی در محیط گردد و از نحوه رفتار مرتکب قصد ایجاد ناامنی مفروض در نظر

<sup>۱</sup> - از قبیل قانون عقوبات لبنان (ماده ۱۸۹) و سوریه (ماده ۱۸۸) و اردن (ماده ۵۹) و عمان (ماده ۸۱) - که ضمن تعریف قصد احتمالی عمل مرتکب را عمد تلقی نموده‌اند.

<sup>۲</sup> - شیوه‌های تشخیص و استنباط قصد غیرمستقیم بدین صورت است که چنانچه جنایت باشد از عادتاً موجب جنایت شدن آن استنباط می‌شود که یک ضابطه نوعی و عرفی دارد و در سایر جرائم با وحدت ملاک از بندهای ب و پ ماده ۲۹۰ در بحث جنایت با در نظر گرفتن شرایط فعل و مرتکب می‌توان قصد او را استنباط کرد؛ مانند محاربه یا توهین.

گرفته شود اگرچه مرتکب به صورت صریح چنین قصدی نداشته باشد. چنین حالتی، با عمد تلقی شدنش،<sup>۱</sup> از حوزه‌ی جرم فراتر از قصد خارج و با آن متفاوت می‌گردد همچنین در جرم فراتر از قصد شرط قابلیت پیش‌بینی نتیجه شدیدتر وجود ندارد. در حقوق فرانسه گفته شده است «به‌جز موارد منصوص از سوی قانون‌گذار در خصوص قصد احتمالی (غیرمستقیم) در هیچ کجا نباید به آن توجه نمود و آن را با قصد مستقیم برابر دانست» (Madray, 1935: 225). در حالی که جرم فراتر از قصد حسب ماهیت آن تشخیص داده می‌شود و نه تصریح قانون‌گذار. لذا جرم فراتر از قصد با مفهوم قصد غیرمستقیم سازگاری ندارد و نمی‌تواند دارای ماهیت واحدی باشند.

#### ۴.۳. جرم فراتر از قصد به مثابه جنایت شبه عمد

در شریعت اسلامی ممکن است در نظر اول جرم فراتر از قصد در قالب مفهوم جنایت شبه عمدی مطرح گردد. ولی باید گفت که اولاً جنایت شبه عمد در بین مذاهب اسلامی مورد توافق قرار نگرفته است. به‌گونه‌ای که مالک در فقه مالکی شبه عمد را به رسمیت نمی‌شناسد (الحفید، ۱۴۰۹: ۳۳۲). در مذاهب حنفی و شافعی و حنبلی مفهوم شبه عمد پذیرفته شده است ولی در بیان مفهوم و تعریف آن اختلاف نظر وجود دارد. ابوحنیفه قتل با آلت قتاله را عمد و قتل با غیر آلت قتاله را شبه عمد می‌داند و شبه عمد را ویژه جنایت قتل دانسته است (الکنانی، ۲۰۱۶: ۲۱۳). در مذهب شافعی و حنبلی ملاک تشخیص قتل شبه عمد ارتکاب رفتاری با قصد

۱- ماده ۶۵۳ از ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرکس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود». مفهوم مخالف این ماده ناظر به محاربه تلقی شدن رفتار مرتکب است که در صوت جمع شدن شرایط جرم محاربه- از قبیل به‌کارگیری سلاح و ایجاد ناامنی در محیط و قصد ایجاد ناامنی به عنوان سوءنیت خاص- صورت می‌پذیرد.

انجام فعل ولی بدون قصد جنایت یا نتیجه دانسته‌اند. (الجزیری، ۱۹۹۸: ۲۳۶). در فقه امامیه به اتفاق، فقها مفهوم شبه عمد را در کنار عمد و خطا مطرح کرده‌اند و شبه عمد را ناظر به حالتی دانسته‌اند که مرتکب قصد فعل داشته ولی قصد نتیجه یا جنایت نداشته باشد و عمل او نیز عادتاً منجر به جنایت نمی‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸/۴۲) و (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۷). با توجه به تعریف و شرایط تحقق جرم‌فرا تراز قصد از یک طرف و مفهوم شبه عمد در فقه امامیه از طرف دیگر نمی‌توان هر جرم شبه عمدی را نوعی جرم‌فرا تراز قصد شناخت چون شبه عمد در فقه شامل چند دسته جرائم است که همه به وجود نقص در علم و قصد مرتکب بر می‌گردد. با بررسی حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه است مفهوم اول جنایات شبه عمدی در جایی است که مرتکب قصد فعل روی انسان یعنی قصد اصابت روی وی را دارد ولی قصد جنایت حاصله ندارد و فعل او نوعاً موجب جنایت نمی‌شود (بند الف ماده ۲۹۱ ق.ا.م). این بند خود شامل دو دسته است.

دسته اول ناظر به جایی است که مرتکب به‌طور کلی قصد جنایت نداشته باشد یعنی قصد عدوان نداشته باشد مانند ضربه زدن کودک توسط سرپرست در حد متعارف به قصد تأدیب (بندت ماده ۱۵۸ ق.ا.م). در این فرض مرتکب قصد عملی را کرده که قانون‌گذار آن را مباح شناخته است ولی اتفاقاً منجر به نتیجه‌ای گردیده که خارج از قصد مرتکب است. عمل مرتکب نسبت به آن نتیجه شبه عمد است ولی جرم فراتر از قصد نیست چون جزء اول رفتار، جرم تلقی نمی‌شود (فقدان جرم مقدم) در حالی که در جرم فراتر از قصد، قصد اولیه و ابتدائی مرتکب باید عدوانی و مجرمانه باشد. (لزوم ارتکاب جرم مقدم).

دسته دوم ناظر به زمانی است که مرتکب قصد جنایت سبک داشته باشد ولی رفتار او علاوه بر آن جنایت سبک، منجر به یک نتیجه یا جنایت سنگین نیز

می‌گردد؛ مانند ضربه به قصد جراحت و منجر شدن اتفاقی به مرگ مجنی علیه. در این حالت شبه عمد، مفهومی از جرم فراتر از قصد است.

مفهوم دوم جنایت شبه عمدی ناظر به جهل مرتکب به موضوع است (بند ب ماده ۲۹۱ ق.م.ا) مانند اینکه مرتکب با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار او شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ ق.م.ا (مهدورالدم) است ضربه‌ای به او وارد کند سپس خلاف اعتقاد مرتکب معلوم گردد. این مصداق از جنایت شبه عمد نمی‌تواند با جرم فراتر از قصد مطابقت داشته باشد چون در این حالت نتیجه‌ای در طول قصد عدوانی اولیه مرتکب حاصل نشده است بلکه مرتکب در خود موضوع، دچار اشتباه در تشخیص گردیده است و این با مفهوم جرم فراتر از قصد متفاوت است.

مفهوم دیگر جنایت شبه عمد ارتکاب تقصیر توسط مرتکب است که به حصول یک جنایت منجر گردد. در این نوع جنایت اثبات تقصیر مرتکب از یک طرف و رابطه سببیت بین تقصیر مرتکب و نتیجه حاصله از طرف دیگر لازم است و مستلزم اثبات قصد عدوانی و مجرمانه‌ی مرتکب نیست و این ویژگی تمایز بین چنین مفهومی از شبه عمد با جرم فراتر از قصد را بیان می‌کند. البته چنانچه تقصیر مرتکب در این مفهوم از جنایت شبه عمد مسبوق به یک حالت عدوان ناظر به نتیجه و یا جنایت دیگر باشد و نتیجه‌ی دیگری حاصل شود که در طول نتیجه اول و مستند به رفتار مرتکب باشد این حالت می‌تواند مفهومی از جرم فراتر از قصد باشد؛ مانند ضرب و جرح عمدی به صورت مختصر منتهی به صدمه شدیدتر خارج از قصد مرتکب.

در سایر جرائم (غیر از جنایت به مفهوم فقهی) ارتکاب جرم به صورت شبه عمدی قابل تصور نیست و جرائم صرفاً به دو دسته عمد و غیرعمد تقسیم شده‌اند.

<sup>۱</sup> - به معنی ایراد صدمه به بدن

در چنین جرائمی مفهوم جرم فراتر از قصد می‌تواند نزدیک به مفهوم شبه عمد در جنایات باشد که مجرمانه تلقی کردن آن مستلزم تصریح قانون است؛ بنابراین بین مفهوم شبه عمد و جرم فراتر از قصد یک رابطه عام و خاص من وجه است بدین توضیح که برخی مصادیق جرم فراتر از قصد، شبه عمد تلقی می‌شود همچنان که برخی مفاهیم شبه عمد می‌توانند جرم فراتر از قصد باشند. ولی هر جرم فراتر از قصدی شبه عمد نیست لذا باید در جستجوی نظریه دیگری راجع به ماهیت جرم فراتر از قصد بود.

#### ۴.۴. نظریه ماهیت مستقل جرم فراتر از قصد

در این دیدگاه مسئولیت کیفری مرتکب در جرم فراتر از قصد دارای یک ماهیت مستقلی است که رکن روانی آن متشکل از قصدی است که ترکیبی از قصد مجرمانه و خطای غیر عمدی است که تحت عنوان «قصد متعدی» شناخته می‌شود. وجه تسمیه قصد متعدی این است که در این جرم مرتکب در راستای رفتار مجرمانه خود علاوه بر اینکه به غایت خود (جرم مقدم) می‌رسد آثار دیگری و بلکه شدیدتر از اثر مورد هدف او حاصل می‌شود که خارج از قصد اوست. حصول این اثر را نمی‌توان عمدی تلقی کرد به جهت اینکه مورد خواست مرتکب نبوده است و از جهتی نمی‌توان خطای محض تلقی کرد به جهت اینکه مرتکب از روی قصد- قصد حصول یک اثر نامشروع- در جرم مقدم به نتیجه بعدی رسیده است به طوری که تقصیر مرتکب مفروض است و نیاز به اثبات ندارد؛ چنین اثری از فعل مرتکب نشأت گرفته است هر چند مقصود وی نیست. لذا همان‌طور که مفهوم خطا در مسئولیت کیفری یک مفهوم مستقل است که آن را از عمد و مسئولیت محض جدا می‌کند این نهاد یک مفهومی مستقل با ارکان و اجزاء و نتایج مستقل است. این مفهوم نزد حقوقدانان مصری مورد پذیرش و مقبولیت قرار گرفته است (طلال



جاسم، همان: ۹). بر این اساس می‌توان در حوزه حقوق جزای عمومی در بحث رکن روانی، نوعی قصد را تحت عنوان «قصد متعدی یا قصد تجاوز یافته»<sup>۱</sup> و نوعی از جرائم را به نام «جرائم فراتر از قصد»<sup>۲</sup> در کنار جرائم عمدی و غیرعمدی و در عرض این دو شناسایی کرد.

از طرفی طبق یک قاعده فقه کلیسایی «هرکس عمل غیرمشروعی را انجام دهد باید مسئولیت تمام نتایج مترتب بر آن را تحمل کند» (الهی، ۲۰۱۱: ۱۰۰) از طرف دیگر اگرچه برخی از اندیشمندان اصطلاح جرم فراتر از قصد را در ادبیات‌شناسی کار نبرده‌اند ولی به این مسئله پی برده بودند که وقوع نتیجه شدید فراتر از قصد مرتکب نه با نظریه عمد هماهنگ است و نه غیرعمد (خطا) و نظریه‌ای جدید تحت عنوان «خطای ناشی از عمد» مطرح کرده‌اند (القدومی، ۲۰۱۶: ۶۲). دانشمندان متأخری از قبیل ویتال<sup>۳</sup> ماهیت مستقلی را برای این حالت شناخته‌اند (طلال جاسم، ۲۰۱۰: ۲۸).

استقلال مفهوم جرم فراتر از قصد باعث شده که دسته‌ای از جرائم از قبیل ضرب و جرح منجر به فوت، در برخی نظام‌های حقوقی به صورتی مستقل از جرائم عمدی و غیرعمدی مورد توجه قرار گیرد.<sup>۴</sup> حقوق مصر این نوع جرم (ضرب و جرح منجر به فوت) را از حقوق فرانسه اقتباس و وارد کشور خود نموده است.<sup>۵</sup> در حقوق فرانسه به لحاظ عدم پیش‌بینی حالتی مشتمل بر جرم فراتر از قصد در قانون ۱۸۱۰ دادگاه‌ها مجبور بودند که چنین حالت‌هایی (مانند ضرب و جرح منتهی

<sup>۱</sup> در حقوق مصر به آن «القصد المتعدی» و در حقوق ایتالیا «La Preterintenzione» گفته می‌شود.

<sup>۲</sup> در حقوق مصر به آن «الجريمة المتعدیه القصد» و در حقوق ایتالیا «Delitto Preterintenzionale» گفته می‌شود.

<sup>۳</sup> vital

<sup>۴</sup> از قبیل ماده ۵۵۴ قانون عقوبات لبنان و ماده ۳۳۰ قانون عقوبات اردن و ۲۳۶ قانون عقوبات مصر. همچنین ماده ۴۳ قانون مجازات ایتالیا در تعریف صریح جرم فرتر از قصد قابل اشاره است. (القدومی، ۲۰۱۶، ۴۵).

<sup>۵</sup> مواد ۲۳۶ و ۳۴۰ از قانون عقوبات مصر و مواد ۳۰۹ و ۳۱۱ از قانون مجازات فرانسه سال ۱۸۶۳ یکی هستند.

به فوت در جایی که مرتکب قصد کشتن نداشته باشد) را عمد تلقی کرده و آن‌ها را بر مبنای قصد غیرمستقیم تفسیر نمایند (القدمی، ۲۰۱۶: ۱۱۱). به نظر می‌رسد چنین برخوردی با این نوع از جرائم از نظر اخلاقی دارای ایراد است و مساوی قلمداد نمودن حالتی که در آن مرتکب قصد نتیجه شدید را داشته و حالتی که چنین قصدی را نداشته- با اخلاق و عدالت سازگار نباشد- از نظر قانونی نیز مخالف با مبانی معمول سیستم قانون‌گذاری فرانسه است، چون نتیجه چنین امری این است که برای محکومیت مرتکب به شروع به قتل قصد کشتن مرتکب باید احراز گردد در حالی که برای محکومیت به ارتکاب قتل عمدی تام نیازی به احراز قصد کشتن نیست؛ در سال ۱۸۶۳ تبصره‌ای به ماده ۳۰۹ قانون مجازات فرانسه افزوده شد که در آن به مجازات جراحت منجر به نقص عضو یا فوت (نتیجه شدیدتر) اختصاص داشت و آن را از جنایت عمدی مستقل دانست و مجازات آن را بین جرم عمدی و غیرعمدی قرار داد. (الکنانی، ۲۰۱۶، ۱۶۴). محتوای همین مقرر در قانون جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ در ماده ۷-۲۲۲ مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> این تحولات در قانون فرانسه به این معنی نیست که صرفاً مواد مربوط به قتل اصلاح شده است بلکه قانون‌گذار فرانسه پی برده است که این حالت دارای مفهومی مستقل است که می‌بایستی مستقل از قتل عمد و غیرعمد ذکر شود. در حقوق ایران به نظر می‌رسد بند ب و پ ماده ۲۹۰ ق.م.ا.ق.<sup>۲</sup> که ارتکاب رفتار نوعاً منجر به جنایت بدون قصد جنایت را مقصود و عمدی قلمداد کرده است- مفهومی از جرم فراتر از قصد است.

<sup>۱</sup>- ماده ۷-۲۲۲ مقرر می‌دارد: «اعمال هرگونه خشونت منجر به مرگ بدون قصد آن، مستوجب ۱۵ سال حبس جنایی با کار است». مجازات این جرم کمتر از مجازات قتل عمدی و بیشتر از مجازات قتل غیر عمد است که دارای ماهیت مستقل است.

<sup>۲</sup>- ماده ۲۹۰: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود الف-... ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

از آنجا که فراتر از قصد بودن یک جرم حسب ماهیت آن جرمونه با تصریح قانونگذار است لذا ممکن است قانونگذار جرائمی را عمدی تلقی کند ولی ماهیتاً فراتر از قصد باشند (مانند بندهای ب و پ ماده اخیرالذکر و ماده ۹۲ ق.م.ج.ن.م. مصوب ۱۳۸۲) و برعکس ممکن است قانونگذار جرائمی را فراتر از قصد تلقی کند ولی ماهیتاً با مفهوم جرم فراتر از قصد سازگاری نداشته باشند! نهایتاً ملاک برای صدور حکم در دادگاه قانون است و هر آنچه قانون گفته (مقرراتی که هستند) باید اجرا شود اگرچه با مبانی و قواعد هماهنگ نباشد؛ بنابراین عملاً زمانی می‌توان حسب معیار جرم فراتر از قصد عمل کرد که قانونگذار فراتر از قصد بودن آن جرم را خواه به صورت صریح خواه ضمنی (رعایت شرایط تحقق آن و تعیین مجازات متناسب با ماهیت آن) شناسایی کرده باشد.

#### ۵. مجازات متناسب برای جرم فراتر از قصد

در خصوص مجازات برای جرم فراتر از قصد با عنایت به ماهیت مستقل آن، مبنی بر اینکه با یک قصد مرکب ویژه‌ای تحت عنوان قصد متعدی ارتکاب می‌شود و حالتی بین عمد و غیر عمد تلقی می‌گردد، باید قائل به لزوم تعیین مجازات خاص و متناسب با حالت روانی مرتکب و میزان سرزنش پذیری رفتار او شد که این مجازات از یک طرف باید از مجازات همان جرم در فرض عمدی بودن کمتر و از طرف دیگر بایستی نسبت به حالت غیرعمدی آن بیشتر باشد و از طرفی دیگر باید

---

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

<sup>۱</sup>- البته نمونه‌ای برای این مورد در قوانین کنونی ایران- به جهت بیگانه بودن حقوق ایران نسبت به مفهوم جرم فراتر از قصد- یافت نمی‌شود.

نسبت به مجازات جرم مقدم نیز بیشتر باشد؛ یعنی حالتی بین مجازات جرم مقدمه یک جرم عمدی است و مجازات جرم مؤخر که یک جرم غیرعمدی است. در حقوق ایران در برخی جرائم مطابق با مفهوم جرم فراتر از قصد چنین ضابطه‌ای تا حدودی رعایت شده است؛ مانند جرائم موضوع مواد ۲۹۳<sup>۱</sup> و ۲۹۶ ق.م.ا. در این دو ماده حالت مشابهی پیش‌بینی شده است. اینکه جنایت علیه عضو فردی (جرم مقدم) ارتکاب شود و به سبب سرایت جنایت، قربانی فوت کند و یا منجر به صدمه شدیدتری گردد (جرم مؤخر). در این دو ماده دو فرض پیش‌بینی شده است. فرض اول این است که جنایت شدید (جرم مؤخر)، با استنباط قصد غیرمستقیم مرتکب نسبت به آن عمدی تلقی گردد، در این فرض رفتار مرتکب جرم واحد تلقی شده است که مجازات یک جنایت عمدی دارد و فرض دوم ناظر به حالتی است که جنایت شدید خارج از قصد مرتکب (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم)<sup>۳</sup> باشد. در این فرض جرم مؤخر ماهیتاً نوعی جرم فراتر از قصد است که قانون‌گذار ایران به تأسی از فقه اسلام و مذهب امامیه از آن به شبه عمد تعبیر کرده است.<sup>۴</sup> البته قانون‌گذار ایران در این فرض به جهت تفکیک جرم مقدم از جرم مؤخر و

<sup>۱</sup> - ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه عمدی محسوب می‌شود، مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت شبه عمدی است.»

<sup>۲</sup> - این ماده مقرر می‌دارد: «اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.»

<sup>۳</sup> - یعنی چنانچه حسب ماده ۲۹۰ ق.م.ا. نتوان قصد غیرمستقیم مرتکب نسبت به نتیجه شدید-مرگ- را استنباط کرد.

<sup>۴</sup> - جرائم مشابه دیگری وجود دارد که می‌تواند همانند جرم مذکور مصداقی از جرم فراتر از قصد باشد. مانند آلودگی محیط زیست منجر به صدمات جسمانی موضوع ماده ۶۸۹، آدم‌ربانی منجر به صدمه جسمانی یا حیثیتی موضوع ماده ۶۲۱ و جرم رها کردن طفل در جای خالی از سکنه منجر به صدمه موضوع ماده ۶۳۳ همگی از قانون مجازات اسلامی.

تعیین مجازات جداگانه برای هر یک، از مفهوم جرم فراتر از قصد دور شده است. این امر به جهت خصوصیات خاص جنایات در فقه است که مبنای قانون‌گذار در این موارد بوده است. خصوصیتی که فرض اخیر را با ضابطه تعیین مجازات برای جرم فراتر از قصد سازگار می‌نماید این است که قانون‌گذار در این فرض مجازات مرتکب را قصاص عضو و دیه جنایت بر نفس تعیین کرده است بدون اینکه به تعزیر اشاره‌ای بکند. تعیین چنین مجازاتی این سؤال را ایجاد می‌کند که چنانچه قتل ایجادشده شبه عمد باشد آیا حسب ماده ۶۱۶ ق.م.ا-تعزیرات مرتکب به تعزیر (یک تا سه سال حبس) نیز محکوم می‌شود یا خیر؟ پاسخ منفی است. چون این ماده حالت خاصی را پیش‌بینی کرده است که با قتل شبه عمد با رفتار غیر نوعاً کشونده متفاوت است همچنین چنانچه در مجازات آن، هم قائل به قصاص عضو و هم دیه و حبس شد در این صورت برای یک رفتار دو مجازات (در کنار دیه که با سایر مجازات قابل جمع است) تعیین شده است که منطقی به نظر نمی‌رسد. لذا این ماده در مقام پیش‌بینی حالت خاصی از صدمات جسمانی است که بین عمد و غیر عمد قرار بگیرد بدون اینکه شبه عمد به معنی فقهی باشد.

در حقوق بسیاری از کشورها در کنار جرائم عمدی و غیرعمدی در صدمات جسمانی، به‌طور مستقل از جرمی یادشده است که دقیقاً معادل حالت فراتر از قصد است. در حقوق کشورهای عربی این جرم «جریمه الضرب المفضی الی الموت» گفته می‌شود (السعيد، ۱۹۵۷، ۲۸) و دکتترین آن کشورها چنین جرمی را مصداق بارز جرم فراتر از قصد دانسته است. برای مثال ماده ۲۳۶ قانون عقوبات مصر<sup>۱</sup> چنین جرمی را پیش‌بینی کرده است. این ماده شامل حالتی است که مرتکب به قصد

<sup>۱</sup> -الماده ۲۳۶ من قانون العقوبات المصری: «کل من جرح أو ضرب أحداً أو أعطاه مواد ضاره ولم يقصد من ذلك قتلاً ولكنه أفضى إلى الموت يعاقب بالأشغال الشاقه أو السجن من ثلاث سنوات إلى سبع سنوات وأما إذا سبق ذلك إصرار أو ترصد فتكون العقوبه السجن المشدد أو السجن.»

ضرب یا جرح به مجنی علیه ضربه بزند ولی به طور غیر مقصود ضربه‌ی مرتکب به فوت مجنی علیه منجر گردد و یا شق دیگر همین ماده ناظر به عمل دادن ماده مضر به مجنی علیه که منجر به مرگ او گردد اعم اینکه ماده مضر کشنده باشد یا نباشد. (القللی، ۲۰۱۲: ۲۰۲). قانون‌گذار مصر چنین عملی را عمد تلقی نکرده است و همچنین آن را از زمره جرائم غیر عمدی و یا شبه عمدی<sup>۱</sup> نیاورده است بلکه ماده خاصی را به این حالت اختصاص داده و مجازات ویژه و منحصر به فردی را برای آن پیش‌بینی کرده است. البته در حقوق مصر می‌توان به جرائم دیگری از قبیل جرم شکنجه متهم منجر به مرگ موضوع ماده ۱۲۶<sup>۲</sup> و جرم شهادت دروغ منجر به اعدام محکوم علیه موضوع ماده ۲۹۵<sup>۳</sup> قانون عقوبات نیز در این خصوص اشاره کرد.

در سایر جرائم (غیر از جنایات) در حقوق ایران ماده ۹۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح قابل توجه است که موضوع آن ارتکاب سرقت توسط نظامیان است که منجر به اخلال در نظام می‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه بزه‌های فوق (منظور جرائم سرقت اسلحه و وسایل نظامی و نوشته‌ها و... مندرج در مواد ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ ق.م.ج.ن.م) موجب‌اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، مرتکب بهمجازات محارب محکوم می‌شود». در این

<sup>۱</sup> - علت عدم شناسایی چنین جرمی تحت عنوان شبه عمد در حقوق مصر این است که قوانین این کشور مبتنی بر شرع نیست. مفهوم شبه عمد - که از فقه اقتباس شده است، در حقوق کیفری آن کشور وارد نشده است و چنین فرضی را به تاسی از حقوق عرفی جدای از عمد و خطا دانسته است. از همین جا پی می‌بریم که اساس و مبنای جرم شبه عمد (که ویژه صدمات جنایی و فقط در فقه مطرح شده است) را باید در عموماً حقوق جزا جستجو کرد که همانا باید «قصد متعدی» باشد.

<sup>۲</sup> - ماده ۱۲۶ من قانون العقوبات المصری: «کل موظف أو مستخدم عمومی أمر بتعذیب متهم أو فعل ذلک بنفسه لحملة علی الاعتراف يعاقب بالأشغال الشاقة أو السجن من ثلاث سنوات إلى عشر سنوات. وإذا مات المجنی علیه بحکم بالعقوبة المقررة للقتل عمداً».

<sup>۳</sup> - ماده ۱۹۴ من قانون العقوبات المصری: «کل من شهد زوراً لمتهم فی جنایه أو علیه يعاقب بالحبس ومع ذلک إذا ترتب علی هذه الشهادة الحكم علی المتهم يعاقب من شهد علیه زوراً بالسجن المشدد أو السجن. أما إذا كانت العقوبة المحکوم بها علی المتهم هی الإعدام ونفذت علیه بحکم بالإعدام أيضاً علی من شهد زوراً».

ماده قدر متیقن این است که مرتکب قصد بردن مال داشته ولی ممکن است قصد دیگری از قبیل تضعیف نیروهای خودی و یا اخلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام نداشته باشد. قانون‌گذار مجازات محارب (اعدام) را در صورت حصول نتیجه‌ی اخلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام تعیین نموده است صرف‌نظر از اینکه مرتکب چنین قصدی را داشته یا نداشته باشد. در صورت وجود قصد (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) تعیین مجازات برای حصول نتیجه‌ی مقصود منطقی است ولی تعیین مجازات همانند جرم عمدی علی‌رغم اینکه نتیجه حاصله خارج از قصد مرتکب باشد به دور از منطقی و برخلاف موازین حقوقی من‌جمله تناسب مجازات با ماهیت جرم است و شایسته بود مجازاتی مابین مجازات جرم مقدم (از قبیل جرم سرقت اسلحه و...) و جرم محاربه (در فرض مقصود بودن جرم مؤخر) تعیین می‌شد. علت تعیین مجازات یک جرم عمدی برای نتیجه‌ای که مورد قصد مرتکب نبوده است بیگانه بودن حقوق ایران نسبت به مفهوم جرم فراتر از قصد است که ماهیتاً می‌توانسته مبنایی برای چنین حالت‌هایی باشد و البته اگر چنین مفهومی بود بر اساس آن مجازات متفاوت با مجازات جرم عمدی تعیین می‌شد.<sup>۱</sup> شبیه این جرم

### پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

<sup>۱</sup> - البته مصادیق دیگری در حقوق مصر وجود دارد مانند جرم جمع‌آوری نیرو و انجام رفتارهای خصمانه علیه دولت بیگانه. این جرم در ماده ۷۷ قانون عقوبات مصر آمده است. در این ماده بعد از پیش‌بینی جرم فوق و تعیین مجازات آن آمده است که چنانچه این جرم منجر به قطع روابط سیاسی دولت‌ها با دولت مصر و یا جنگ با آن گردد مجازات آن حبس با اعمال شاقه خواهد بود. در این جرم چنانچه قصد مرتکب قطع روابط سیاسی و یا ایجاد جنگ نباشد بلکه صرفاً قصد او با هر انگیزه‌ای، اقدام علیه کشور بیگانه باشد ولی عملاً نتایج دیگری حاصل شود و قانونگذار او را نسبت به آن نتایج نیز مسئول قلمداد کرده باشد مصداقی از جرم فراتر از قصد خواهد بود.

همچنین جرم حریق عمدی منجر به نتایج شدیدتر. این جرم که در مواد ۲۵۰ تا ۲۵۲ قانون عقوبات مصر پیش‌بینی شده است شامل حالتی است که مرتکب در محلی که معد برای سکنی نباشد به قصد آتش زدن و تخریب مال مورد نظر، حریق عمدی ایجاد کند و اتفاقاً منجر به فوت یا جراحت شخصی و یا تخریب مال دیگری گردد که نسبت به این نتایج خارج از قصد اومسؤولیتناو ثابت و برایش مجازات تعیین شده است. این حالت نوعی جرم فراتر از قصد است.

در حقوق مصر ماده ۳۶۱ قانون عقوبات<sup>۱</sup> است. این ماده مشتمل بر جرم تخریب و اتلاف مال اعم از منقول یا غیرمنقول است که مجازات آن تا شش ماه حبس و جزای نقدی یک‌صد جنیه یا یکی از آن‌ها تعیین شده است. در فراز آخر ماده مزبور آمده است چنانچه عمل مرتکب منجر به تعطیلی مؤسسات عمومی و یا به خطر انداختن سلامت جسمانی و بهداشتی افراد گردد به مجازات ۵ سال حبس و جزای نقدی ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ جنیه محکوم می‌شود. در این جرم نتیجه‌ای شدیدتر از نتیجه مورد نظر مرتکب (تخریب) ایجاد گردیده است که خارج از قصد اوست و آن «تعطیلی مؤسسات عمومی یا به خطر انداختن سلامت افراد» است. همین نتیجه باعث شده است که مجازات مرتکب از ۲ سال به ۵ سال تشدید یابد بدون اینکه عمدی یا غیرعمدی بودن نتیجه دوم (جرم مؤخر) تعیین کرده باشد البته اگر نتیجه دوم با قصد و اراده مرتکب محقق می‌شد عمدی شناخته می‌شد و مجازات بیشتری برای آن تعیین می‌شد.

در ذیل ماده ۶۳۳ ق.م.ا-تعزیرات- ایران ناظر به جرم رها کردن طفل در جای خالی از سکنه آمده است: «چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا آرش نیز محکوم خواهد شد». رها کردن طفل در جای خالی از سکنه یک جرم مستقلی است که از حیث نتیجه مطلق است و مستلزم نتیجه نیست ولی طبق فراز آخر ماده مزبور چنانچه این رفتار منجر به صدمه جسمانی قربانی گردد اگرچه آن صدمه

<sup>۱</sup>-الماده ۳۶۱ من قانون العقوبات المصری: كل من خرب أو أتلف عمداً أموالاً ثانیة أو منقوله لا یملكها أو جعلها غیر صالحه للاستعمال أو عطلها بأیه طریقہ يعاقب بالحبس مده لا تزيد علی سته أشهر وبغرامه لا تجاوز ثلاثمائة جنیه أو بإحدى هاتین العقوبتین. فإذا ترتب علی الفعل ضرر مالی قیمته خمسون جنیهاً أو أكثر كانت العقوبه الحبس مده لا تجاوز سنتین وبغرامه لا تجاوز خمسمائة جنیه أو بإحدى هاتین العقوبتین وتكون العقوبه السجن مده لا تزيد علی خمس سنین وبغرامه لا نقل عن مائه جنیه ولا تجاوز ألف جنیه إذا نشأ عن الفعل تعطیل أو توقيف أعمال مصلحه ذات منفعه عامه أو إذا ترتب علیه جعل حياه الناس أو صحتهم أو أمنهم فی خطر».



مورد قصد مرتکب نبوده باشد، تشدید شده است. در این مورد عامل تشدید که ورود صدمه است خارج از قصد مرتکب ولی ناشی از رفتار اوست. این جرم نمونه‌ای از جرم فراتر از قصد است که مجازات متناسبی را می‌طلبد که قانون‌گذار با تشدید مجازات آن سعی در تعیین یک مجازات متناسب کرده است.

#### ۶. نتیجه‌گیری

اگر فردی به قصد ارتکاب جرمی رفتاری را انجام دهد و علاوه بر تحقق جرم مورد نظر، نتیجه‌ی شدیدتری حاصل شود که خارج از قصد او باشد چنین جرمی جرم فراتر از قصد است. جرم فراتر از قصد از حیث ماهیت دارای ماهیت مستقل از مفاهیم مشابه است چون این جرم، جرم واحدی است که از دو جرم مقدمه‌عمدی است و جرم موخر-که به جهت عدم داشتن قصد نمی‌تواند عمدی باشد- تشکیل می‌شود. در چنین جرمی شرط است که نتیجه‌ی دوم در جرم مؤخر شدیدتر از جرم مقدم باشد و همچنین این دو جرم در طول هم باشند. تفاوت این جرم از حیث رکن روانی با حالت جرم عمدی در این است که جرم مؤخر مقصود نبوده است و عمد تلقی نمی‌شود و تفاوت آن با حالت غیر عمد در وجود قصد مجرمانه در رفتار مرتکب نسبت به جرم مقدم است. این جرم با مفهوم مسئولیت محض نیز تفاوت دارد به جهت اینکه در مسئولیت محض صرف قصد رفتار کافی است و اثبات سوءنیت خاص مرتکب لازم نیست در حالی که در جرم فراتر از قصد اثبات سوءنیت خاص به صورت قصد تحقق جرم مقدم و آثار آن لازم است. قصد غیرمستقیم نیز به جهت قرار گرفتن در دایره‌قصد مرتکب و عمدی تلقی شدن جرم، با جرم فراتر از قصد متفاوت است. با توجه به ماهیت مستقل چنین جرمی مجازات آن بایستی متناسب باشد. تناسب در اینجا تابع مبنای جرم است. مبنای جرم فراتر از قصد عبارت است از صفت سرزنش‌پذیری آن (مسئولیت اخلاقی) است که از این

حیث، قدر متیقن میزان سرزنش پذیری آن از حالت عمدی کمتر است و از حالت غیر عمدی جرم و یا ارتکاب جرم عمدی مقدم به تنهایی بیشتر است لذا مجازات آن اصولاً باید مابین مجازات جرم مقدم و جرم مؤخر در فرض عمدی بودن آن باشد. در قوانین کیفری ایران مفاهیم مطرح شده در مواد ۲۹۳ و ۲۹۶ از ق.م.ا - قسمت قصاص - و ماده ۹۲ ق.م.ج.ن.م با مفهوم جرم فراتر از قصد مطابقت دارند ولی بعضاً مجازات متناسب با ماهیت آنها تعیین نشده است که علت آن عدم شناسایی نهاد جرم فراتر از قصد در نظام حقوقی ایران است. در قانون مصر همانند قانون ایران ذکری از جرم فراتر از قصد نیامده است ولی جرائمی از قبیل جنایت ضرب و جرح منتهی به صدمه شدیدتر یا فوت و تخریب اموال منجر به تعطیلی مؤسسات عمومی که در قانون آن کشور پیش‌بینی شده است، مفاهیمی از جرم فراتر از قصد است چراکه در تحقق این جرائم ابتدا یک جرم مقدم، مقصود مرتکب است ولی در طول آن یک جرم مؤخر نیز واقع می‌شود که خطرناک‌تر از جرم مقدم است. مجازات این جرم باید بیشتر از مجازات جرم مقدم و کمتر از مجازات جرم مؤخر به شرط عمدی بودن آن باشد. به این جهت لازم است در مباحث حقوق جزای عمومی از نوعی قصد به نام «قصد متعدی» و نوعی جرم تحت عنوان «جرم فراتر از قصد» در عرض جرائم عمدی و غیر عمدی یاد شود تا بر اساس آن مسئولیت و مجازات متناسب تعیین گردد.

## منابع

الف. فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: میزان.
- شاهچراغ، سید حمید (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن لا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، ۷۸-۱۱۴-۷۷.
- شریعتی نسب، صادق (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت محض در حقوق کیفری»، نامه مفید، شماره ۹۷، ۱۲۶-۱۴۵.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی (۱)-جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، گنج دانش.
- عرفانی، محمود (۱۳۸۸)، حقوق تطبیقی در نظام‌های حقوقی معاصر، تهران: جنگل.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۷)، «تجزیه و تحلیل مفهوم عنصر روانی جرم»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، شماره ۱۰ و ۱۱، ۴۲-۷۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، حقوق مدنی: الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسئولیت مدنی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گرایلی، محمدباقر (۱۳۹۱)، «عنصر خطای جزایی در حقوق ایران و کامن لا»، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳، ۲۰۲-۱۷۷.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- مرعشی، محمد محسن (۱۳۷۹)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: میزان.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی-جرائم علیه اموال، تهران: میزان.
- (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.

----- (١٣٩٤)، حقوق کیفری اختصاصی - جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران:

میزان.

ب. عربی

الجزیری، عبدالرحمن (١٤٢١)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: منشورات دار الثقلمین

الحفید، ابن رشد (١٤٢٥)، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، ج ٢، القاهره: دار الحدیث.

السعید، سعید مصطفی (١٩٥٧)، الاحکام العامه فی القانون العقوبات، الطبعة الاولى، بیروت:

منشورات الحلبي.

القدمی، دولی محمود (٢٠١٦)، جنایه الضرب المفضی الی الموت، الطبعة الاولى، عمان: امواج

للنشر و التوزیع

القللی، محمد مصطفی (٢٠١٢)، فی المسئولیه الجنائیه، القاهره: مطبعه جامعه القاهره.

الکنانی، رفعت صبیح (٢٠١٦)، جرمه القتل الغیر مقصود فی القانون و الشریعه، الطبعة الاولى،

بیروت: منشورات زین الحقوقیه.

النیشابوری، محمد بن فتال (١٣٧٥)، روضه الواعظین و بصیره المتعلمین، طبعه الاولى، قم:

منشورات رضی.

الهیتی، محروس نصار (٢٠١١)، نتیجه الجرمیه فی القانون العقوبات، الطبعة الاولى، منشورات

زین الحقوقیه، بغداد: مکتبه السنهوری.

ثروت، جلال (٢٠٠١)، نظریه الجرمیه المتعدیه القصد - دراسه مقارنه، بیروت: منشورات الحلبي

الحقوقیه.

سلامه، مأمون محمد (١٩٧٦)، قانون العقوبات (القسم العام)، طبعه الثانيه، القاهره: دار الفكر

العرب.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٤١٠) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه

(المحشی - کلاتر)، جلد ١٠، قم: منشورات داوری.

عوده، عبدالقادر (٢٠١٣)، التشريع الجنایی الاسلامی، الجزء الاول، الطبعة الاولى، بیروت:

المکتبه العصریه.

طلال جاسم، عبدالرزاق (٢٠١٠)، نطاق الصله بین القصد الجنائی و الخطأ، کلیه القانون،

العراق: جامعه دیالی.

عبد شویش، ماهر (١٩٨١)، النظریه العامه للخطأ فی القانون الجنائی، رساله دکتوراه، جامعه بغداد فراس عبدالمنعم، عبدالله (٢٠٠١)، القصد الجنائی الاحتمالی، رساله دکتوراه، جامعه بغداد.

مکارم الشیرازی، ناصر (١٤١١)، القواعد الفقهیه (لمکارم)، مجلد الثانی، قم: مدرسه امیر المومنین.

نجیب حسنی، محمود (١٩٧٨)، النظریه العامه للقصد الجنائی، دراسه تأصیلیه-مقارنه للركن المعنوی فی لجرائم العمديه، القاہرہ: مطبعه دار النهضه العربیہ.

----- (١٩٨١)، شرح القانون العقوبات اللبنائی-القسم العام، القاہرہ: منشورات دار النهضه العربیہ.

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (١٤٠٤)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ٤٣ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

#### ج. منابع انگلیسی

- Ashwort, Andrew(1992), **Principle of Criminal Law**, Oxford Uni Press, New York.
- Clarkson, C.M.V (2005),**Understanding Criminal Law**,Sweet and Maxwell, Fourth Edition,London.
- Shichor,Davidd(2006), **The Meaning and Nature of Punishment**, Waveland Princ Pub..
- Richard, G. Singer. (1989).**The Resurgence of Mens Rea: The Rise and Fall of Strict Criminal Liability**, 30 B.C.L Rev. 337.
- Ezzat, Abdolfatta(1997),**Criminalogy:Past.Presentan.Future**, S.T.Martins Press Inc, U.S.

#### د. منابع فرانسوی

- Ferri, E (1893), **La Sociologie Criminelle**, Trade, de Lauteur. Paris.
- Madray, Gilbert (1935), **Le dol eventual**, Revue de Droit Penal International.pp225.